



# Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI:10.30479/mfh.2024.19531.2319

## Documentary Investigation and Brokering of the Narrations “Zakat is the Dirt on People’s Hands”

Abbas Sharifi<sup>1</sup>

Mohammad Reza Shah Sanaiee<sup>2\*</sup>

Abbas Esmaeeli Zadeh<sup>3</sup>

### Abstract

The narrations of “Zakat being pus and its prohibition on Bani-Hashem” are famous narrations that have been reported in various terms in Shia and Sunni hadith texts, and despite their popularity, less attention has been paid to their documentary validity and content. This research, by validating the mentioned narrations in terms of documents and content and examining the existing views, has come to the conclusion that in terms of the documents, most of these narrations are faced with forms of unreliability of narrators and transmission, and in terms of content, it is in conflict with the verses that God and His Messenger stated as the receiver of zakat, and the verses that abolished racial superiority and put piety as the criterion of human superiority. Also, in the section of existing views, most of the researchers have justified the concept of “OSAKH” by accepting the principle of traditions, the justifications which neither match the sources of the word nor respond to its content flaws. According to the findings of the research, Bani Abbas, in order to consider the rule of their tyrants as Shariah and plunder the Khums share of the booty, which was a significant amount considering the conquests of that era, by falsifying traditions while developing the concept of Ahl al-Bayt, showing zakat and its sanctity with filth and pollution. For Bani-Hashem and replacing Khums, they tried to show themselves as privileged over other people.

### Keywords

Sanctity of Charity on Bani Hashem, Sanctity of Charity on Ahl al-Bayt, Usakh, Bani Abbas.

### Article Type: Research

1. Assistant Professor of the Department of Quranic and Hadith Sciences, Shahid Mahalati Higher Education Complex, Qom. Email: sharifi.abbas22@gmail.com

2. Responsible Author, Assistant Professor of the Department of Quranic and Hadith Sciences, Shahid Mahalati Higher Education Complex, Qom. Email: mohammadshahsanaiee@gmail.com

3. Associated Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ferdowsi University of Mashhad. Email: esmaeelizadeh@um.ac.ir

Received on: 15/11/2023 Accepted on: 02/03/2024

Copyright © 2024, Sharifi, Shah Sanaiee & Esmaeeli Zadeh



Publisher: Imam Khomeini International University.



تلفن: ۰۲۱-۲۵۸۸-۳۸۹۵  
شماره مجله: ۰۲۱-۲۵۸۸-۴۴۱۷

# مطالعات فقه حدیث



DOI:10.30479/mfh.2024.19531.2319

## بررسی سندی و دلالتی روایات «الصَّدَقَةُ مِنْ أَوْسَاحِ أَيْدِي النَّاسِ»

عباس شریفی<sup>۱</sup>

محمد رضا شاه سنائی<sup>\*۲</sup>

عباس اسماعیلی زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

روایات «چرک بودن زکات و ممنوعیت آن بر بنی هاشم» از روایات مشهوری است که با عبارات گوناگون در متون حدیثی شیعه و اهل سنت گزارش شده و علی رغم شهرت، به اعتبار سندی و محتوایی آن کمتر توجه شده است. این پژوهش با اعتبارسنجی روایات مذکور از نظر سندی و محتوایی و بررسی دیدگاه‌های موجود به این نتیجه رسیده که از نظر سند، اکثر این روایات با اشکال عدم وثاقت راویان و ارسال مواجه است و از نظر محتوا نیز با آیاتی که خداوند سبحان و رسول او را دریافت کننده زکات بیان نموده و آیاتی که برتری نژادی را ملغی و تقوا را ملاک برتری انسان‌ها قرار داده، در تضاد است. همچنین در بخش دیدگاه‌های موجود، بیشتر پژوهشگران با پذیرش اصل روایات به توجیه مفهوم «اوساخ» پرداخته‌اند. توجیهاتی که نه با منابع لغت تطابق دارد و نه پاسخگوی ایرادات محتوایی آن است. براساس یافته‌های پژوهش، بنی عباس جهت شرعی قلمداد نمودن حکومت ظالمانشان و چپاول سهم خمس غنایم که با توجه به فتوحات آن عصر، مبالغ قابل توجهی بود، با جعل روایاتی ضمن توسعه در مفهوم اهل البیت، با چرک و آلوده نشان دادن زکات و حرمت آن برای بنی هاشم و جایگزینی خمس، سعی در ممتاز نشان دادن خود نسبت به سایر مردم نمودند.

### کلیدواژه‌ها

حرمت صدقه بر بنی هاشم، حرمت صدقه بر اهل بیت، اوساخ، بنی عباس.

### نوع مقاله: پژوهشی

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم. sharifi.abbas22@gmail.com.
  ۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم (نویسنده مسئول). mohammadshahsanaiee@gmail.com
  ۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد. esmaeelizadeh@um.ac.ir.
- تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

## ۱. طرح مسالہ

از جملہ ضروریات برای درک صحیح مسائل فقہی و کلامی کہ هموارہ در تحلیل دقیق آموزہ‌ہای دینی مورد اہتمام اندیشمندان اسلامی قرار گرفتہ است، پژوهش در روایات است. در ارزیابی و تحلیل روایات، بررسی سندی و محتوایی، ہر دو یک امر ضروری است کہ غفلت از ہر کدام می‌تواند موجب فہم نادرست از احادیث پیامبر (ص) و ائمہ معصومین (ع) گردد. از جملہ روایات قابل تأمل در منابع حدیثی شیعہ و اہل سنت کہ دیدگاہ‌ہای گوناگونی دربارہ آن وجود دارد، روایات معروف بہ «الصَّدَقَةُ مِنْ أَوْسَاحِ أَيْدِي النَّاسِ» است. در این دستہ از روایات، زکات بر برخی از خویشاوندان رسول خدا (ص) حرام شمرده شدہ و خمس جایگزین آن گردیدہ است. نکتہ قابل تأمل در این روایات، علت حرمت مذکور است کہ بیان شدہ چون صدقہ از «أَوْسَاحِ النَّاسِ وَ يَا أَوْسَاحِ أَيْدِي النَّاسِ - چرک دست مردم» است، خداوند خواستہ گروہ مذکور از آن بہ دور باشند؛ لذا بہ جای ارتزاق از زکات، ارتزاق از خمس را کہ فاقد چرک و پلیدی است، جایگزین نمودہ است. این در حالی است کہ خمس و زکات ہر دو نوعی مالیات شرعی ہستند.

این پژوهش بر آن است تا با تکیہ بر آیات قرآنی و سایر روایات واردہ در موضوع زکات، ضمن بررسی سندی و محتوایی روایات مذکور بہ ارزیابی دیدگاہ‌ہای مطرح شدہ بپردازد و بہ این سؤال پاسخ دہد کہ آیا زکات در واقع، چرک و آلودگی است و بنی ہاشم بہ صِرف خویشاوندی با رسول خدا (ص) از آن منع شدہ‌اند؟

پژوہش‌ہایی کہ تاکنون پیرامون روایات «الصَّدَقَةُ مِنْ أَوْسَاحِ أَيْدِي النَّاسِ» صورت گرفتہ، بیشتر ناظر بہ مفہوم روایات و تبیین چرک بودن زکات بودہ است و پژوہش کاملی دربارہ اعتبارسنجی سندی و بررسی تحلیلی روایات مذکور صورت نگرفتہ است. بہ عنوان نمونہ، مقالہ «تبیین تاریخی ممنوعیت صدقات بر بنی ہاشم در عصر نزول» (۱۳۹۹ش) از وحید باصری بدون اعتبارسنجی روایات مذکور و ضمن پذیرش صدور چنین روایاتی از پیامبر (ص) دربارہ ممنوعیت زکات بر بنی ہاشم، آن را تدبیر شایستہ پیامبر اسلام (ص) برای زدودن ہرگونہ شائبہ و ذہنیت منفعت طلبانہ در فرہنگ قبیلہ‌ای اعراب بیان نمودہ است. مقالہ دیگر با عنوان «الخطاب القبلی و دورہ فی التَّغْيِيرَ الدَّلَالِي لِمَفْهُومِ اَهْلِ بَيْتِ (ع) وَ ذَوِي الْقُرْبَى وَ تَأْثِيرُهُ فِي الْبَحْثِ عَنِ الْهُوِيَةِ الْهَاشِمِيَّةِ» (۲۰۱۸م) از وحید باصری و آیینہ‌وند، بہ بررسی مراد از اہل بیت و ذوی القربی پرداختہ و توسعہ این مفہوم بر بنی ہاشم را مربوط بہ زمان‌ہای پس از رسول خدا (ص) بہ ویژہ حاکمان بنی عباس دانستہ است. در مقالہ «بررسی فقہی و تاریخی حرمت صدقہ بر سادات» (۱۳۷۸ش) از محمدعلی خیراللہی،

بر کثیف بودن زکات و حرمت آن بر بنی هاشم تأکید شده و برای سؤالات مذکور پاسخی ارائه نشده است. در مقاله «ساده‌زیستی امام خمینی و مسأله شأن» (۱۳۷۸ش) از احمد عابدینی، ضمن پذیرش روایات، علت تعبیر چرک و آلودگی از زکات را تنفر بنی هاشم نسبت به عاملیت زکات معرفی کرده است. در تحقیق پیش رو علاوه بر پی جویی روایات در متون حدیثی فریقین و اعتبارسنجی سندی آن‌ها، دیدگاه‌های مختلف در مورد مفاد آن روایات مورد ارزیابی محتوایی قرار گرفته و تعارض آن‌ها با قرآن کریم و سایر روایات بیان گردیده است.

## ۲. بررسی روایات «الصَّدَقَةُ مِنْ أَوْسَاحِ أَيْدِي النَّاسِ»

این روایات در یک دسته‌بندی کلی به ۷ دسته به شرح زیر تقسیم می‌گردد:

الف- روایاتی که ضمن اوساخ دانستن زکات، اهل البیت (ع) را به جهت کرامت، از آن منع کرده است.

ب- روایاتی که ضمن اوساخ دانستن زکات، آن را بر آل محمد (ع) ممنوع نموده است.

ج- روایاتی که ضمن اوساخ دانستن زکات، فرزندان عبدالمطلب را به جهت خویشاوندی با رسول خدا (ص) از آن منع کرده و به جهت کرامت ایشان، خمس را جایگزین آن قرار داده است.

د- روایاتی که با تشبیه زکات به غَسَّالَه مدفوع، آن را از اوساخ دانسته است.

ه- روایاتی که بنی هاشم را به علت اوساخ بودن زکات، از کارگزاری در جمع‌آوری آن منع نموده است.

و- روایاتی که تأکید بر حرمت زکات بر بنی عباس دارد.

ز- روایاتی که بدون اوساخ دانستن زکات، آن را تنها بر پیامبر و امامان پس از ایشان حرام دانسته است.

روایات مذکور در منابع شیعه و اهل سنت یافت می‌شود. از آن جا که روایات با سند و متن‌های متفاوتی ذکر شده است در این قسمت، علاوه بر ذکر سند روایات مذکور و اعتبارسنجی آن‌ها، به مفهوم کلی هر روایت نیز پرداخته شده است:

### ۲-۱. حدیث اول

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ نَحْنُ وَاللَّهِ الَّذِينَ عَنَى

اللَّهُ بِذِي الْقُرْبَى الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ بِنَفْسِهِ وَنَبِيِّهِ ص فَقَالَ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِلَّذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ مِنَّا خَاصَّةً وَلَمْ يَجْعَلْ لَنَا سَهْمًا فِي الصَّدَقَةِ أَكْرَمَ اللَّهُ نَبِيَّهُ وَأَكْرَمَنَا أَنْ يُطْعَمَنَا أَوْسَاخَ أَيْدِي النَّاسِ» (كلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۳۹). به خدا قسم منظور از «ذوی القربی» که خداوند ایشان را در آیه «فیء» قرین خود قرار داده ما هستیم ... خداوند برای ما سهمی از زکات قرار نداد و رسولش و ما را کرامتی بخشید تا از اوساخ دست مردم اطعام ننماییم.

از منظر دانشمندان رجالی، ابان بن ابی عیاش ضعیف و نباید به گفته‌های او اعتنا نمود (ابن غضائری، ۱۳۶۴ش، ۳۶؛ ابن قاریاغدی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۵۴۹)، لذا این حدیث از نظر سندی، ضعیف است. از نظر محتوایی، در این حدیث از زکات به «أَوْسَاخَ أَيْدِي النَّاسِ» تعبیر شده و بدون نام بردن از بنی هاشم، اهل بیت را به جهت کرامت، از آن منع کرده است.

## ۲-۲. حدیث دوم

«قَالَ سَلِيمُ بْنُ قَيْسٍ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ يُحَدِّثُنِي وَيَقُولُ ... لَمْ يَجْعَلْ لَنَا فِي سَهْمِ الصَّدَقَةِ نَصِيبًا وَأَكْرَمَ اللَّهُ نَبِيَّهُ ص وَأَكْرَمَنَا أَنْ يُطْعَمَنَا أَوْسَاخَ أَيْدِي النَّاسِ» (هلالی، ۱۴۰۵ق، ۲: ۷۲۳). خداوند برای ما سهمی در زکات قرار نداد و گرامی داشت پیامبرش را و ما را تا از اوساخ دست مردم اطعام ننماییم.

با توجه به این که طریق این حدیث در کتاب سلیم بن قیس هلالی، ابان بن ابی عیاش است؛ این حدیث نیز از نظر سندی، ضعیف است. از نظر محتوایی، در این حدیث از زکات به «اوساخ ایدی الناس» تعبیر شده و بدون نام بردن از بنی هاشم، اهل بیت را به جهت کرامت، از آن منع کرده است.

## ۲-۳. حدیث سوم

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ قَالَ: إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْخُمْسَ خَاصَّةً لَهُمْ دُونَ مَسَاكِينِ النَّاسِ وَأَبْنَاءِ سَبِيلِهِمْ عِوَضًا لَهُمْ مِنْ صَدَقَاتِ النَّاسِ تَنْزِيهًا مِنَ اللَّهِ لَهُمْ لِقَرَابَتِهِمْ بِرَسُولِ اللَّهِ ص وَكَرَامَةً مِنَ اللَّهِ لَهُمْ عَنْ أَوْسَاخِ النَّاسِ فَجَعَلَ لَهُمْ خَاصَّةً مِنْ عِنْدِهِ مَا يُغْنِيهِمْ بِهِ عَنْ أَنْ يُصَيَّرَهُمْ فِي مَوْضِعِ الدَّلِّ وَالْمَسْكَنَةِ وَلَا بَأْسَ بِصَدَقَاتِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ وَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ جَعَلَ اللَّهُ لَهُمُ الْخُمْسَ هُمْ قَرَابَةُ النَّبِيِّ ص الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فَقَالَ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَ

هُم بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۴۰): همانا خداوند برای ایشان خمس را جایگزین زکات قرار داد... تا نوعی پاکی باشد از جانب خداوند برای ایشان به جهت خویشاوندی با رسول خدا (ص) و کرامتی از جانب خداوند برای ایشان [جهت دوری] از اوساخ الناس... و خداوند با این کار مانع از این شد که ایشان در موضع ذلّت و خواری باشند... اینان همان فرزندان عبدالمطلب هستند که خداوند به دلیل قرابت با پیامبر (ص) به جای زکات، برای ایشان خمس را قرار داده است

این حدیث به جهت عبارت «بَعْضِ أَصْحَابِنَا» مرسل است و از نظر محتوایی علاوه بر این که زکات «أَوْسَاخُ النَّاسِ» شمرده شده است، فرزندان عبدالمطلب را به جهت خویشاوندی با رسول خدا (ص) از آن منع کرده و به جهت کرامت ایشان، خمس را جایگزین آن قرار داده است.

#### ۲-۴. حدیث چهارم

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَأَبِي بَصِيْرٍ وَزُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ الصَّدَقَةَ أَوْسَاخُ أَيْدِي النَّاسِ وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ عَلَيَّ مِنْهَا وَمِنْ غَيْرِهَا مَا قَدْ حَرَّمَهُ وَإِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَحِلُّ لِيَبْنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۵۸): همانا زکات اوساخ دست مردم است و خداوند آن را بر من حرام نمود... بدرستی که زکات بر فرزندان عبدالمطلب حلال نیست.

در سند مذکور، برخی از بزرگان صحابه امام باقر و امام صادق (ع) وجود دارند که همگی ثقة هستند. محمدبن مسلم (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۳۲۳)، ابی بصیر (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۴۴۱؛ خانی مقدم و همکاران، ۱۳۹۸ش، ۱۹۹)، زراره (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۱۷۵)، حمادبن عیسی و علی بن ابراهیم نیز تعدیل شده است (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۱۴۲، ۲۵۹؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۵۶). درباره ابراهیم بن هاشم پدر علی بن ابراهیم هرچند در منبع رجالی متقدم قدح و یا تعدیلی وارد نشده، ولی علامه حلی اقوال ایشان را صحیح می داند (حلی، ۱۴۱۱ق، ۵). با توجه به مطالب مذکور، حدیث از نظر سند، صحیح است و محتوای حدیث هم، همانند حدیث قبلی است و ضمن توصیف زکات به اوساخ الناس، بنی عبدالمطلب از آن منع شده اند.

#### ۲-۵. حدیث پنجم

«الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ الْهَاشِمِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ

بُنْدَارَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنِ بَعْضِ الْبَغْدَادِيِّينَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ قَالَ: ... لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ صَانِعًا عَنِ الصَّدَقَةِ وَهِيَ أَوْسَاخُ أَيْدِي النَّاسِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۳۴۵). در حدیث مذکور امام صادق (ع) در پاسخ به یکی از خوارج فرمودند: کہ خداوند عزوجل ما را از زکات مصون داشت و آن چرک دست مردم است.

سند این روایت با وجود اشخاصی همچون ابراہیم بن اسحاق الاحمر کہ شیخ طوسی، او را محدثی ضعیف و در نقل روایت، غیر قابل اعتماد دانسته و قائل اند کہ در دینش نیز متهم به غلو بوده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۶). همچنین به دلیل قرار گرفتن سیاری (أحمد بن محمد بن سیار) کہ نجاشی او را ضعیف الحدیث و فاسد المذهب (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۸۰) دانسته است، ضعیف است.

در محتوای این حدیث نیز از زکات به اوساخ ایدی الناس تعبیر شده و ممنوعیت آن نیز نوعی فضیلت به شمار آمده است ولی تصریح نشده کہ این فضیلت بر تمام بنی ہاشم است و یا تنها شامل اهل البیت (ع) می باشد.

## ۲-۶. حدیث ششم

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ: حَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ... لَمْ يَجْعَلْ لَنَا فِي سَهْمِ الصَّدَقَةِ نَصِيبًا أَكْرَمَ اللَّهُ رَسُولَهُ وَ أَكْرَمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَنْ يُطْعَمَنَا مِنْ أَوْسَاخِ النَّاسِ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸، ۵۸-۶۳). امیر مؤمنان (ع) سخنرانی نمود و فرمود ... پروردگار برای ما اهل بیت سهمی در صدقات قرار نداد و گرامی داشت رسولش و ما را تا از اوساخ مردم اطعام نمایم.

این روایت به دلیل این کہ ابراہیم بن عثمان از اصحاب امام محمد باقر (ع) بوده و نمی توانسته بدون واسطه از سلیم بن قیس روایت نموده باشد، مرسل است و در محتوا نیز همانند روایات قبل از زکات به «أَوْسَاخُ أَيْدِي النَّاسِ» تعبیر شده و ممنوعیت آن نیز نوعی فضیلت برای اهل البیت (ع) به شمار آمده است.

## ۲-۷. حدیث ہفتم

«وَقَالَ سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): أَكُلُّ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَوْلَادِهِمْ حُرِّمَتْ عَلَيْهِمُ الصَّدَقَةُ؟ فَقَالَ: لَا، أَوْ مَا سَمِعْتُ قَوْلَ إِخْوَةِ يُوسُفَ (ع) وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنْ اللَّهُ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ حَلَّتْ لَهُمُ الصَّدَقَةُ، وَ حُرِّمَتْ عَلَيْهِمُ الْغَنَائِمُ، وَ حُرِّمَتْ عَلَيْنَا الصَّدَقَةُ لِأَنَّهَا أَوْسَاخُ أَيْدِي النَّاسِ» (صدوق، ۱۴۱۵ق، ۱۷۷): سفیان بن عیینہ می گوید: بہ امام صادق (ع) گفتم:

آیا بر تمام پیامبران و فرزندان ایشان زکات حرام بود؟ حضرت در پاسخ فرمودند: نه، آیا نشنیدی سخن برادران یوسف (ع) که بر ما صدقه بخش؛ زیرا خدا صدقه‌دهندگان را پاداش می‌دهد [براساس سخن مذکور] صدقه بر ایشان حلال و غنایم، حرام بود این در حالی است که زکات بر ما حرام است چون آن چرک دست مردم است.

سند حدیث، مرسل است چون شیخ صدوق راویان از خود تا سفیان را ذکر نکرده است و در منابع رجالی، از سفیان بن عیینه به عنوان صحابی امام صادق (ع) نام برده شده (برقی، ۱۳۴۲ ش، ۴۱) ولی مدح و قدحی درباره او ذکر نشده است. در محتوای حدیث، از زکات با عنوان «اوساخ الناس» تعبیر شده است و یکی از تفاوت‌های پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) با سایر انبیاء چنین ذکر شده که صدقه بر انبیاء گذشته، حلال و غنایم بر ایشان، حرام بوده در حالی که زکات بر پیامبر (ص) و ائمه (ع) به علت اوساخ بودن حرام شده است.

## ۲-۸. حدیث هشتم

این روایت مربوط به مناظره امام رضا (ع) با برخی دانشمندان در مجلس مأمون عباسی در تبیین تفاوت بین عترت و امت است: «حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ شَاذَوَيْهِ الْمُوَدَّبُ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ ... لِأَنَّ الصَّدَقَةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ هِيَ أَوْسَاخُ أَيْدِي النَّاسِ» (صدوق، ۱۳۷۸ ق، ۱: ۲۲۸): زکات بر محمد و آل ایشان حرام است و صدقه اوساخ دست مردم است و بر ایشان حلال نیست.

با توجه به اتصال سند راویان و این که راویان این حدیث، جعفر بن محمد بن مسرور (نجاشی، ۱۳۶۵ ق، ۱۲۳)، ریان بن صلت (نجاشی، ۱۳۶۵ ق، ۱۶۵)، محمد بن عبدالله الحمیری (نجاشی، ۱۳۶۵ ق، ۳۵۴)، عبدالله بن جعفر الحمیری (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۲۹۳) همگی ثقه هستند، سند روایت صحیح است. از نظر محتوایی در این روایت حرمت زکات به محمد و آل محمد (ع) اختصاص یافته است و علت آن نیز «اوساخ» بودن آن بیان شده است.

این روایات هشت‌گانه تمام احادیث مطرح شده در منابع شیعه است که با توجه به بررسی سندی می‌توان گفت: تنها ۲ حدیث از نظر سند، صحیح و ۶ حدیث دیگر، ضعیف هستند. در منابع اهل سنت نیز روایاتی یافت می‌شود که از صدقه به «اَوْسَاخُ أَيْدِي النَّاسِ» تعبیر شده است از جمله آن‌ها احادیثی است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.



## ۲-۹. حدیث نهم

«عَنْ مَالِكٍ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّهُ قَالَ: قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْأَرْقَمِ: أَدَّلَنِي عَلَى بَعِيرٍ مِنَ الْمَطَايَا اسْتَحْمَلَ عَلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ. فَقُلْتُ: نَعَمْ. جَمَلًا مِنَ الصَّدَقَةِ. فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْأَرْقَمِ: أَتُحِبُّ أَنْ رَجُلًا يَدِينَا فِي يَوْمٍ حَارٍّ غَسَلَ لَكَ مَا تَحْتَ إِزَارِهِ وَرَفَعِيهِ ثُمَّ أَعْطَاكَ فَشَرِبْتَهُ؟ قَالَ: فَغَضِبْتُ وَقُلْتُ: يَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ. أَتَقُولُ لِي مِثْلَ هَذَا؟ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْأَرْقَمِ: إِنَّمَا الصَّدَقَةُ أَوْسَاخُ النَّاسِ يَغْسِلُونَهَا عَنْهُمْ» (مالک بن انس، ۱۴۰۶ق، ۲: ۱۰۰۱).

در این روایت عبدالله بن ارقم، صدقه را به ابی تشبیه کرده که انسان مدفوع خود را با آن شسته و آن آب با آن مخلوط شده است. سند این روایت به عبدالله بن ارقم ختم شده است نه به رسول خدا (ص) که نشان از برداشت شخصی ایشان است و اصلاً روایت محسوب نمی‌گردد.

## ۲-۱۰. حدیث دهم

«عَنْ مَالِكٍ: أَنَّهُ بَلَغَهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَحِلُّ الصَّدَقَةُ لِأَلِّ مُحَمَّدٍ إِنَّمَا هِيَ أَوْسَاخُ النَّاسِ» (مالک بن انس، ۱۴۰۶ق، ۲: ح ۱۰۰۰): زکات بر آل محمد حلال نیست زیرا آن از چرک [دست] مردم است.

سند حدیث، مرسل است چون مالک بن انس بدون هیچ واسطه‌ای آن را به رسول خدا (ص) نسبت داده است.

## ۲-۱۱. حدیث یازدهم

در برخی از منابع نیز منشأ این روایات درخواست عباس بن عبدالمطلب و برخی دیگر از بنی هاشم از رسول خدا (ص) جهت کارگزاری در جمع‌آوری زکات و جواب منفی آن حضرت به علت اوساخ بودن و اوساخ بودن زکات بیان شده است (سجستانی، بی‌تا، ۳: ۱۴۷).

سند روایت مذکور «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ صَالِحٍ، حَدَّثَنَا عَبَّسَةُ، حَدَّثَنَا يُونُسُ، عَنْ ابْنِ شِهَابٍ، أَخْبَرَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَارِثِ ابْنُ تَوْفَلِ الْهَاشِمِيِّ، أَنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ بْنِ رَبِيعَةَ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، أَخْبَرَهُ أَنَّ أَبَاهُ رَبِيعَةَ بْنَ الْحَارِثِ، وَعَبَّاسَ بْنَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، قَالَا لِعَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ رَبِيعَةَ، وَلِلْفَضْلِ بْنِ عَبَّاسٍ» از منظر اهل سنت صحیح است (همان). ولی از منظر شیعه با وجود اشخاصی مثل ابن شهاب زهری از نظر سند با ضعف روبروست.

### ۳. بررسی و نقد دیدگاه‌ها

#### ۳-۱. دیدگاه اول

در این دیدگاه ضمن ترجمه واژه «اوساخ» به چرک و آلودگی، اختصاص خمس به بنی هاشم در عوض زکات، به عنوان کرامت برای ایشان در نظر گرفته شده است و اوساخ بودن صدقه و حرمت آن بر بنی هاشم، به علت تصریح در احادیث شیعه و اهل سنت یک مسأله قطعی تلقی شده است (خیراللهی، ۱۳۸۷، ش، ۱۲۶-۱۱۶).

در نقد این دیدگاه با اغماض نسبت به سند این روایات باید گفت: اگر «اوساخ» به معنای آلودگی باشد و بنی هاشم به علت خویشاوندی رسول خدا (ص) به دلیل چرک و آلوده بودن زکات از آن منع شده باشند، با اشکال‌های زیر مواجه است:

#### الف) ناسازگاری محتوای روایات با آیات قرآن

حمل مفاد این احادیث با آیات مختلفی از قرآن ناسازگار است از جمله آن‌ها:

۱. در آیات قرآنی هرگونه برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر بر اساس نژاد، سرزمین، رنگ پوست، ثروت و ... نفی شده است و تنها ملاک «تقوا»، بیان گردیده است و این با اختصاص امتیازی به خویشاوندان رسول خدا (ص) به صرف خویشاوندی در تعارض است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (الحجرات: ۱۳)؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است.

۲. خداوند متعال در آیه کرامت به بیان شخصیت والای نوع بشر و مواهب الهی نسبت به او می‌پردازد: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (الاسراء: ۷۰)؛ به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم. کرامت در این آیه مربوط به حقیقت انسان است و اختصاص به شخص معینی ندارد و این ذاتی بودن کرامت برای نوع انسان را بیان می‌دارد (جوادی‌آملی، ۱۳۶۶، ش، ۶۲). به این معنا که خداوند متعال ذات انسان را گرامی و نیکو آفریده است تا با توجه دادن به این ارزش فوق‌العاده به آسانی گوهر خود را نیالاید و خویش را به بهای ناچیزی نفروشد. بر این اساس کرامت ذاتی سادات و غیر سادات همگی را شامل می‌گردد.

لذا این آیه در تضاد با آن است که خداوند برخی از انسان‌ها را به صرف فقیر بودن شایسته ارتزاق از ناپاکی‌ها و گروهی دیگر را به صرف خویشاوندی با پیامبر (ص) مستحق ارتزاق از طیبات قرار دهد. بر این اساس می‌توان گفت: خداوند متعال هرگز کرامت گروهی از انسان‌ها را (بنی‌هاشم، اهل بیت و...) در برابر خوار کردن دیگران نخواسته است.

۳. طبق آیات قرآن کریم هر آنچه پاکی است مختص ذات خداوند است و پاکی‌ها اعم از (اعمال و نیات) به سوی او صعود می‌نماید و دریافت‌کننده آن‌ها خداوند متعال است: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ اُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ» (الفاطر: ۱۰): کسی که عزت می‌خواهد، پس [باید آن را از خدا بخواهد، زیرا] همه عزت ویژه خداست. حقایق پاک [چون عقاید و اندیشه‌های صحیح] به سوی او بالا می‌رود و عمل شایسته آن را بالا می‌برد. و کسانی که حيله‌های زشت به کار می‌گیرند، برای آنان عذابی سخت خواهد بود، و بی‌تردید حيله آنان نابود می‌شود.

همچنین، قرآن کریم خداوند را دریافت‌کننده صدقات معرفی می‌نماید: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (التوبه: ۱۰۴): آیا ندانسته‌اند که فقط خداست که از بندگانش توبه را می‌پذیرد و صدقات را دریافت می‌کند؟ و یقیناً خداست که بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

از مجموع محتوای دو آیه می‌توان نتیجه گرفت که محال است خداوند دریافت‌کننده چیزی باشد که چرک و آلوده است و این با چرک و آلوده بودن صدقات در تضاد است. ۴. در برخی از آیات قرآنی رسول خدا (ص) نیز همانند خداوند سبحان دریافت‌کننده صدقات معرفی شده است: «خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ اِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (التوبه: ۱۰۳): از اموالشان زکاتی دریافت کن که به سبب آن [نفوس و اموالشان را] پاک می‌کنی، و آنان را رشد و تکامل می‌دهی؛ و [به هنگام دریافت زکات] بر آنان دعا کن؛ زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آنان است؛ و خدا شنوا و داناست.

۵. طبق برخی از آیات قرآن کریم، صدقه عامل طهارت و تزکیه معرفی شده است و چگونه چیزی که خود پاک‌کننده است، می‌تواند چرک و آلوده باشد؟ «خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...» (التوبه: ۱۰۳): از اموالشان زکاتی دریافت کن که به سبب آن [نفوس و اموالشان را] پاک می‌کنی، و آنان را رشد و تکامل می‌دهی.

۶. قرآن کریم به مؤمنان دستور داده تا از چیزهای پاکیزه ارتزاق نمایند و از خبائث اجتناب ورزند و این امر با چرک و آلودگی زکات و جواز آن برای مؤمنان فقیر تنافی دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» (البقره: ۱۷۲): ای اهل ایمان! از انواع میوه‌ها و خوردنی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و خدا را سپاس گزارید، اگر فقط او را می‌پرستید. «وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ» (الاعراف: ۱۵۷): و پاکیزه‌ها را بر آنان حلال می‌نماید، و ناپاک‌ها را بر آنان حرام می‌کند.

۷. خداوند متعال در قرآن نابودی ربا و رشد و نمو صدقات هر دو را به خود نسبت داده است: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (البقره: ۲۷۶): خدا ربا را نابود می‌کند و صدقات را فزونی می‌دهد؛ و خدا هیچ ناسپاس بزه‌کاری را دوست ندارد. بر اساس آیه مذکور، مقابله «يَمْحَقُ ... الرِّبَا» با «يُرْبِي الصَّدَقَاتِ» و پایان آیه «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ ...»، طیب بودن صدقات اثبات می‌گردد.

### ب) ناسازگاری متنی روایات «الصَّدَقَةُ مِنْ أَوْسَاحِ أُيْدِي النَّاسِ»

اختلاف عبارات در احادیث پیش‌گفته به‌گونه‌ای است که بررسی محتوایی، حکایت از اضطراب متن و وجود تعارض بین آن‌ها دارد. برای نمونه در برخی روایات تأکید بر حرمت صدقات بر رسول خدا (ص) و ائمه (ع) بعد از ایشان و خروج سایر بنی‌هاشم از حکم مذکور شده است و در برخی دیگر، همه بنی‌هاشم را شامل آن دانسته است و در برخی موارد حکم مذکور در رابطه با «بنی‌عبدالطلب» بیان گردیده است.

### ۲-۳. دیدگاه دوم

سیدرضی در توجیه تعبیر اوساخ از زکات، آن را نوعی مجاز دانسته و در بیان این توجیه بیان می‌دارند، هنگامی که مالی به عنوان زکات از سایر اموال جدا می‌شود، این جدا شدن موجب پاکی سایر اموال می‌گردد مانند آبی که آلودگی‌ها را از بین می‌برد ولی در پاک نمودن آلودگی‌ها خودش مبتلا به نجاست می‌گردد، و یا این‌که چون مردم غالباً زکات اموالشان را از کم ارزش‌ترین متعلق زکات می‌پردازند نه از بهترین آن‌ها، لذا از باب مجاز، زکات تعبیر به اوساخ دست مردم شده است (سیدرضی، ۱۴۲۲ق، ۳۹۰).

هرچند سیدرضی استنادی بر اثبات دیدگاه خود ارائه نکرده‌اند، اما به نظر می‌رسد دیدگاه ایشان مطابق و یا به نوعی برگرفته از روایت زیدبن ارقم باشد (مالک بن انس، ۱۴۰۶ق، ۲: ۱۰۰۱) که در جای خود اثبات گردید، این دیدگاه شخصی زید است که در

موطأ انعکاس یافته و مبنای روایی ندارد. از طرف دیگر، شاید توجیه سیدرضی برگرفته از آیه ۱۰۳ توبه باشد که خداوند می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا»: از اموالشان زکاتی دریافت کن که به سبب آن [نفوس و اموالشان را] پاک می‌کنی، و آنان را رشد و تکامل می‌دهی (التوبه: ۱۰۳). که در این صورت باید گفت: در این آیه، تطهیر و تزکیه به روح زکات‌دهنده تعلق گرفته است و نه اموال، ثانیاً مگر اموال اولیه، نجس است که با جدا شدن زکات از آن پاک شده و نجاسات آن به زکات منتقل شود؟ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توجیه سیدرضی خالی از اشکال نیست زیرا وجهی برای تشابه زکات به غسل وجود ندارد که اراده مجاز از آن بنماییم.

همچنین، این استدلال که چون زکات از کم ارزش‌ترین اموال پرداخت می‌گردد، پس از باب مجاز اوساخ است، مستلزم آن است که زکات در حقیقت اوساخ نباشد. به بیان دیگر، لازمه دیدگاه مذکور آن است که با تصحیح بینش مؤمنان و پرداخت زکات از بهترین اموال، گرفتن آن بر اهل بیت (ع) بدون اشکال باشد؛ در حالی که حرمت زکات بر اهل بیت (ع) مشروط به امری نگردیده است.

### ۳-۳. دیدگاه سوم

برخلاف دو دیدگاه قبلی، این دیدگاه به دنبال علت اصلی ممنوعیت صدقه بر بنی‌هاشم است. مطابق این دیدگاه، منظور از «أَوْسَاخُ أَيْدِي النَّاسِ» دسترنج مردم است و روا نبودن صدقات بر بنی‌هاشم نه به جهت ناپاکی اموال صدقات و یا تفاوت سرشت بنی‌هاشم یا امتیازات نسبی است، بلکه تدبیر شایسته پیامبر اسلام (ص) برای زدودن هرگونه شائبه و ذنیت منفعت‌طلبانه در فرهنگ قبیله‌ای اعراب بوده است. پیامبر (ص) از هیچ یک از هاشمیانی که در فتح مکه مسلمان شدند یا سابقه‌ای در اسلام نداشتند، در هیچ مقامی استفاده نکرد. ممنوعیت صدقات هم صرفاً در مصرف آن نبود بلکه پیامبر (ص) هرگونه ارتباط بنی‌هاشم با مسأله صدقات را ممنوع کرد (باصری، ۱۳۹۹ش، ۱۴).

از منظر طرفداران این دیدگاه، ترکیب «أَوْسَاخُ النَّاسِ» که در نخستین منبع به همین صورت و در منابع بعدی به صورت «أَوْسَاخُ أَيْدِي النَّاسِ» فقط یک‌بار در پاسخ به هاشمیانی که خواستار عاملیت و بهره‌بری از صدقات بودند، آمده است، می‌تواند حاکی از کراهت یا شبهه‌ای باشد که از طرف صدقه‌دهندگان و زکات‌پردازان، مشخصاً اعراب بادیه‌نشین، به جهت عدم شناخت کافی از حکمت صدقه و زکات وجود داشت. «چرک دست مردم بودن» این اموال می‌تواند بدین معنا باشد که چون اعراب این اموال را با

سختی و زحمت بسیار از دسترنج خویش به دست می آورده اند، از پرداخت آن به دیگران ناراحت می شدند یا کراهت داشتند. در هر صورت اوساخ الناس نمی تواند به معنای ناپاکی مالی باشد که صدقه بدان تعلق گرفته است (همان، ۲۴).

هرچند تلاش صاحب این دیدگاه جهت کشف علت چنین تمایزی ستودنی است اما فارغ از نادیده گرفتن اشکالات سندی و اضطراب موجود در روایات و مفاد آن، وجهی برای ترجمه یا برداشت از واژه «اوساخ» به دسترنج از منابع لغت و ... در این دیدگاه ارائه نگردیده است.

### ۳-۴. دیدگاه چهارم

هرچند این دیدگاه از نظر نتیجه با دیدگاه سوم یکسان است و هر دو تعبیر «اوساخ أیدی الناس» از زکات را برای ایجاد تنفر بنی هاشم از عاملیت زکات دانسته اند ولی از نظر دلایل ارائه شده با یکدیگر تفاوت دارند؛ لذا به عنوان دیدگاه چهارم مطرح می گردد. براساس این دیدگاه «بنی هاشم می خواستند سرپرستی گردآوری مال های زکات را عهده دار شوند، تا از این راه سهم «العاملین علیها» را ویژه خود سازند. بنابراین، شاید پیامبر اکرم (ص) این مطلب را فرمود تا طبع آنان متنفر شود و از فکر جمع زکات و فکر خوردن زکات به طور کلی پرهیز کنند (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ۱: ۷۰؛ عابدینی، ۱۳۷۸ش، ۳۵۴-۲۶۵).

این دیدگاه برای پاسخ به اشکال متهم شدن پیامبر (ص) به خلاف واقع گویی در حرام دانستن زکات برای بنی هاشم و حلال دانستن خمس برای آن ها، مسأله را این گونه توضیح می دهد که پیامبر (ص) امر به خلاف واقع نفرموده است، چرا که بین مال الزکات و مال الخمس، فرق است. در زکات واجب، مکلف اول، مالک مال می شود و پس از آن که مالک مال شد و یک سال آن را در اختیار داشت، مکلف می شود که مقداری از آن را به عنوان زکات بدهد. بنابراین، در ابتدا مال از آن خود وی بوده و سپس بر عهده او آمده که زکات بدهد و به همین جهت، گروهی آن را از روی میل و خرسندی نمی دهند ... اما مال خمس، که اساس آن غنیمت است از کافران به دست می آید و به پنج قسم تقسیم می شود، و یک قسم آن خمس و باقی آن بین رزمندگان پخش می شود. بنابراین دید اجتماع نسبت به مال زکات که از دارایی مردم جدا شده و مال خمس که پیش از تقسیم جدا شده گوناگون است و پیامبر اکرم (ص) تا این حد نیز نمی خواستند بنی هاشم از زکات استفاده کنند، تا به ذهن کسی بیاید که او پیامبری کرد و حکومت تشکیل داد و قانون وضع کرد، تا به خویشان او رسیدگی شود» (عابدینی، ۱۳۷۸ش، ۳۵۴-۲۶۵).

در نقد این دیدگاه می‌توان گفت: آیا رسول خدا (ص) به روشی دیگر نمی‌توانست به بنی‌هاشم بفهماند که این کار به صلاح نیست و تنها راه این بود که برای ایجاد تنفر ایشان، از زکات به چرک و آلودگی تعبیر شود؟ همچنین، ادعای نویسنده در بیان تفاوت بین خمس و زکات، در صورتی صحیح است که خمس تنها به غنایم تعلق بگیرد، این در حالی است که طبق مبانی شیعه، خمس به منافع کسب هم تعلق می‌گیرد، و به‌عنوان مازاد درآمد و مخارج، همانند زکات بعد از گذشت یکسال که در مالکیت مالک است پرداخت می‌گردد، لذا توجیه نویسنده خالی از اشکال نیست.

#### ۴. دیدگاه برگزیده

بررسی روایاتی که حکایت از چرک و آلوده بودن زکات و جایگزینی خمس بر بنی‌هاشم دارد (چنانچه در مباحث قبلی بدان پرداخته شد) از نظر سند (عدم وثاقت راویان و یا ارسال) و همچنین از نظر محتوا (تضاد با آیات قرآن کریم و سایر روایات) با اشکال‌هایی مواجه است. در مقابل این روایات، روایاتی وجود دارند که فاقد این اشکالات است. در این روایات، اولاً: جایگزینی خمس به جای زکات تنها اختصاص به اهل‌بیت (ع) داشته و سایر بنی‌هاشم را شامل نگردیده است. ثانیاً: این امر نیز به علت چرک و آلوده بودن زکات و یا خویشاوندی ایشان به حضرت رسول (ص) نیست. به عنوان نمونه می‌توان به روایات زیر اشاره نمود:

(الف) «... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا تَحِلُّ لَنَا الصَّدَقَةُ - وَأَمْرُنَا بِالسَّبَاغِ...» (علی‌بن موسی الرضا، ۱۴۰۶ق، ۴۶): برای ما اهل‌بیت صدقه، حلال نیست و فرمان داریم که همواره با وضو باشیم.

حدیث مذکور را احمدبن‌عامر از امام رضا (ع) و ایشان نیز از اجداد طاهرینش و از رسول خدا (ص) نقل نموده‌اند. مجموعه روایات نقل شده از احمدبن‌عامر از امام رضا (ع) به صحیفه امام رضا (ع) نام گرفته و مورد تایید رجالی متقدم شیعه، نجاشی است (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۱۰۰). جد احمدبن‌عامر از جمله شهدای کربلا است (همان، ۱۰۰) در این حدیث، امام رضا (ع) ضمن معرفی خود به عنوان اهل‌بیت، صدقه را بر آن‌ها حرام دانسته است.

(ب) «الْعِيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَمَّا حَرَّمَ عَلَيْنَا الصَّدَقَةَ أَبَدَلْنَا بِهَا الْخُمْسَ فَالصَّدَقَةُ عَلَيْنَا حَرَامٌ وَالْخُمْسُ لَنَا فَرِيضَةٌ وَالْكَرَامَةُ لَنَا حَلَالٌ» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۲: ۶۴): عیاشی

در تفسیرش با سلسله سند خود از امام صادق (ع) روایت نموده که همانا خداوند یکتا هنگامی که زکات را بر ما حرام نمود به جایش خمس را برای ما قرار داد؛ پس زکات بر ما حرام است و خمس برای ما هم واجب و هم کرامت و حلال است.

در مورد رجال این روایت باید گفت: محمد بن مسعود عیاشی از اشخاص ثقه‌ای است که در منابع رجالی شیعه با اوصافی همچون جلیل‌القدر، واسع‌الخبار و بصیر‌بالروایه توصیف شده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۳۹۶). عیسی بن عبدالله العلوی هر چند در کتب رجالی متقدم توصیفی از ایشان نشده ولی روایت شیخ صدوق، عیاشی و برقی از ایشان نشان از حسن و کمال او دارد (نمازی‌شاهرودی، ۱۴۰۵ق، ۶: ۱۶۶). عبدالله بن فضل العلوی پدر عیسی بن عبدالله از شاگردان امام صادق (ع) و از راویان ثقه و صاحب کتاب است (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۲۲۳).

بر اساس مطالب پیش‌گفته، این حدیث از نظر سند فاقد اشکال است و از نظر محتوا نیز بدون اینکه از زکات به اوساخ تعبیر گردد بر حرمت زکات بر اهل بیت (ع) و نه همه بنی‌هاشم، تأکید شده و خمس جایگزین آن گردیده است. در این روایت، علت چنین امری کرامت ائمه (ع) عنوان شده است.

از مقابله صدقه با خمس در این روایت و ذکر «الکرامه» برای خمس، برداشت می‌شود که در خمس کرامتی است که در زکات نیست (نه آن‌که زکات چرک باشد) و ممنوعیت زکات بر اهل بیت به جهت در مذلت قرار نگرفتن ایشان است.

توضیح این‌که، اهل بیت (ع) که به مقام عصمت رسیده و پس از رسول خدا (ص) چراغ هدایت بشریت را در دست دارند، باید از نظر اقتصادی منابعی در اختیار داشته باشند تا جهت نشر دین الهی از آن بهره‌گیرند. با توجه به اینکه عمده مصرف زکات فقرا هستند و پرداخت آن به ایشان با نوعی ترحم همراه است، خداوند سبحان با جایگزینی خمس به جای زکات که حقی است در اصل مال برای خدا و رسول و اهل بیت ایشان، نگذاشته اهل بیت در موضع ذلت و فقر و ترحم دیگران باشند.

با توجه به مطالب مذکور، حرمت صدقات نوعی امتیاز برای برخی بستگان آن حضرت (اهل بیت) محسوب نمی‌گردد زیرا علت این امر نه خویشاوندی آن حضرت بلکه جایگاه و شأنی بود که دارا بودند. اما سایر بنی‌هاشم ویژگی خاصی ندارند تا مانند اهل بیت از مصرف زکات مستثنا شوند و نفس خویشاوندی رسول خدا (ص) موجب امتیاز ویژه نیست و این عدم استثناء با آیات قرآنی مبنی بر این‌که معیار کرامت بندگان تقوا است و نه مسائل قومی و نژادی، سازگاری دارد (الحجرات: ۱۳).



## ۴-۱. بنی عباس و عنوان «اهل بیت»

به نظر می‌رسد، «بنی عباس» جهت توجیه شرعی حکومت ظالمانه خود و با ممتاز نشان دادن خود نسبت به سایر مردم و جلب منافع خمس با توجه به فتوحات و غنائم سرشار آن تغییراتی در این روایات مانند «توسعه در مفهوم اهل بیت و ذی القربی» و «اوساخ نشان دادن زکات و اختصاص خمس به بنی هاشم» انجام داده باشند:

## الف- توسعه در مفهوم اهل بیت

«اهل بیت و آل محمد» تنها شامل افرادی است که مانند رسول خدا (ص) به مقام عصمت رسیده و پیشوای هدایت گردیده‌اند و این‌ها نیستند جز کسانی که در «آیه تطهیر» از ایشان با همین عنوان یاد شده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الاحزاب: ۳۳)؛ جز این نیست که همواره خدا می‌خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت [که به روایت شیعه و سنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام اند] برطرف نماید و شما را چنان که شایسته است [از همه گناهان و معاصی] پاک و پاکیزه گرداند (انصاریان، ۱۳۸۱ش، ۴۲۲).

طبق نظر مفسران شیعه و اهل سنت منظور از «اهل بیت» امام علی (ع)، حضرت زهرا (س)، امام حسن و امام حسین (ع) هستند. (طبری، ۱۴۲۰ق، ۲۲: ۵؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ۹: ۳۱۳۱؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ۵: ۱۹۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۸: ۴۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۸: ۵۶۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۶: ۳۱۱؛ حسین بن علی (ع)، ۴۳۰ق، ۱: ۲۳۸-۴۳۰).

با این حال بنی عباس سعی در شمول مصادیق عنوان مذکور نمودند. تلاش آنان در توسعه مصادیق این عنوان به سال‌ها قبل از به حکومت رسیدن این خاندان برمی‌گردد. گفتگوی عبدالله بن عباس با خلیفه دوم، شاهدی بر این مدعاست. در گفتگوی عبدالله بن عباس با خلیفه دوم در شأن خلافت، او با استناد به آیه تطهیر، عنوان اهل بیت را به تمامی بنی هاشم از جمله خاندان بنی عباس تسری داده است: «... فَقَالَ عُمَرُ ... يَا ابْنَ عَبَّاسِ أَبَتِ قُلُوبِكُمْ يَا بَنِي هَاشِمٍ إِلَّا عَشًّا فِي أَمْرِ قُرَيْشٍ لَا يَزُولُ وَحَقْدًا عَلَيْهَا لَا يَحُولُ فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَهَلًا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَسِبْ هَاشِمًا إِلَى الْعَشِّ فَإِنَّ قُلُوبَهُمْ مِنْ قَلْبِ رَسُولِ اللَّهِ الَّذِي طَهَّرَهُ اللَّهُ وَرَكَاهُ وَهُمْ أَهْلُ الْبَيْتِ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا...» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ۱۲: ۵۴): «ای ابن عباس، دل‌های شما ای بنی هاشم جز نیرنگی در امر قریش نیست که از بین نمی‌رود و کینه‌ای که تغییر نمی‌کند، پس ابن عباس گفت: صبر کن

یا امیرالمؤمنین، مبدا بنی هاشم را به نیرنگ نسبت دهید که دل‌هایشان از قلب رسول خداست که خداوند آن را پاک و پاکیزه کرده است و اهل بیتهی هستند که خداوند درباره ایشان فرموده: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً...». بعدها نیز خاندان بنی عباس با شعار فریبنده «الرضا من آل محمد» (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۴: ۱۳۰) موفق به فریب مردم و در دست گرفتن حکومت گردیدند. این خاندان تنها به دست گرفتن حکومت، بسنده نکردند بلکه با انجام تبلیغاتی سعی نمودند خود را تنها وارثان حقیقی رسول خدا (ص) نشان دهند و حتی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را از ذریه رسول خدا (ص) ندانند. حاکمان بنی عباس از جمله هارون الرشید همواره سعی می‌کردند علاوه بر این که انتساب خویش به مقام رسالت را به رخ مردم بکشند، پیامبرزادگی امامان را نیز انکار کنند. او روزی به امام کاظم (ع) گفت: شما چگونه ادعا می‌کنید فرزند پیامبرید در حالی که فرزندان علی (ع) هستید؛ زیرا هرکس به جد پدری خود منسوب می‌شود، نه جد مادری؟! و امام کاظم (ع) با استناد به آیات ۸۴ تا ۸۶ سوره انعام اثبات نمودند که فرزندان دختری نیز ذریه محسوب می‌گردند. در آیات مذکور حضرت عیسی (ع) با این که از طریق مادر به حضرت ابراهیم نسب می‌برد، ذریه آن حضرت ذکر شده است (صدوق، ۱۳۷۸ش، ۱: ۸۲).

### ب- جعل روایات «أَوْسَاحُ أَيُّدِي النَّاسِ»

در منابع اهل سنت طرح اولیه این روایات در ارتباط با عباس بن عبدالمطلب است. در کتاب سنن ابوداود پس از ذکر روایاتی در مدح عباس بن عبدالمطلب آمده که روزی عباس و ربیع بن حارث دو پسرشان فضل و عبدالمطلب را نزد رسول خدا (ص) فرستادند تا از آن حضرت تقاضا کنند ایشان را به عاملیت زکات در آورد ولی آن حضرت ضمن پاسخ منفی به ایشان، زکات را چرک دست مردم دانسته و فرمودند: که آن بر آل محمد، حرام است. سپس دستور دادند هزینه ازدواج آن دو از خمس تأمین گردد (سجستانی، بی تا، ۳: ۱۴۷). در این روایت هم از فرزند عباس و ربیع به عنوان «آل محمد» و هم از زکات به چرک دست مردم تعبیر شده و هم خمس جایگزین آن گردیده است.

پس از توسعه در مفهوم اهل بیت، چرک و آلوده نشان دادن زکات و حرمت آن برای بنی هاشم (به عنوان کرامت ایشان) می‌توانست نقش بسزایی در ممتاز نشان دادن بنی عباس به عنوان خاندان حاکم از بنی هاشم و تافته جدا بافته نشان دادن ایشان از سایر مردم باشد. این امر هم سرپوش شرعی مناسبی بود بر ظلم‌های ایشان و هم زمینه را

برای اختصاص سهم خمس غنایم فتوحات (با توجه به ثروت سرشار غنایم فتوحات در آن زمان) فراهم می نمود.

از شواهد روایی بر این جعل، وجود روایاتی است که در آن تأکید بر حرمت زکات بر بنی عباس شده است: «لَا تَحِلُّ الصَّدَقَةُ لِوَلَدِ الْعَبَّاسِ - وَلَا لِنُظَرَانِهِمْ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ» (حرعاملی، ۱۴۱۹ق، ۹: ۲۶۹): صدقه بر فرزندان بنی عباس و نظیر ایشان از بنی هاشم حلال نمی باشد.

بررسی منابع تاریخی نیز حکایت از آن دارد که خلفای بنی عباس تنها خود را شایسته دریافت خمس دانسته و ائمه (ع) را از آن محروم کردند به گونه ای که شیعیان به طور مخفیانه سهم خمس را به امامان می رساندند. گاهی اوقات نیز با توجه به فشار سیاسی خلافت عباسی، شیعیان از ارسال مال در قالب خمس پرهیز نموده و آن را در قالب هدایا برای امام می فرستادند. طبق گزارش شیخ مفید، امام کاظم (ع) خطاب به هارون فرمودند: پیشینیان شما خمسی را که در کتاب خدا به آن اشاره شده است، از ما بازداشتند و کار بر ما سخت شده، صدقه هم به سبب جایگزینی خمس بر ما حرام شده است، پس ما ناچاریم هدیه را بپذیریم (مفید، ۱۴۱۳ق، ۵۵).

اهل بیت (ع) جهت مقابله با اقدامات بنی عباس، به بیان احادیثی پرداختند که حرمت زکات را مختص به پیامبر (ص) و ائمه (ع) دانسته است نه سایر بنی هاشم: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ سَالِمِ بْنِ مُكْرَمِ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: أَعْطُوا الزَّكَاةَ مَنْ أَرَادَهَا مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَإِنَّهَا تَحِلُّ لَهُمْ وَإِنَّمَا تَحْرُمُ عَلَى النَّبِيِّ ص وَعَلَى الْإِمَامِ الَّذِي مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى الْأَيْمَةِ (ع)»: زکات را به آن کس از بنی هاشم که می خواهید بدهید زیرا زکات بر ایشان حلال است و آن تنها بر پیامبر (ص) و بر امام بعدش و سایر ائمه حرام است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۹: ۲۶۹). به نظر می رسد چنین روایاتی در جهت خنثی سازی روایات ساختگی بنی عباس صادر شده باشد.

## ۵. نتیجه گیری

با توجه به بررسی ها درباره روایات «الصَّدَقَةُ مِنْ أَوْسَاحِ أَيْدِي النَّاسِ» که چرک و آلوده بودن زکات و جایگزینی خمس به جای آن برای بنی هاشم (جهت کرامت ایشان) را بیان می دارد، چنین نتیجه گیری می شود:

۱- بررسی این روایات حکایت از وجود اشکال سندی در اکثر آن ها دارد؛ اشکال هایی از قبیل: ارسال، ضعف راوی به جهت اتهام به غلو و .... احادیثی که از نظر سندی،

صحیح هستند از نظر محتوا، با آیاتی از قرآن کریم در تضاد است. آیاتی که انسان را دارای کرامت ذاتی دانسته و مبنای برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر را نه به نژاد و رنگ و خویشاوندی به پیامبر (ص) و ... بلکه به رعایت تقوا دانسته است، همچنین با آیاتی که از زکات به طیبات تعبیر نموده و خداوند و رسول را دریافت‌کننده آن معرفی می‌نماید و مؤمنین اعم از فقیر و غنی را به استفاده از طیبات سفارش نموده، ناسازگار است.

۲- علاوه بر این روایات، احادیثی وجود دارد که در آن‌ها نه تنها از زکات به عنوان چرک و آلودگی یاد نشده و حکم به برتری و کرامت همه بنی‌هاشم نداده است بلکه تنها اهل‌البیت (ع) را از مصرف زکات منع نموده است؛ دلیل آن هم مقام عصمت اهل‌البیت (ع) و در دست داشتن چراغ هدایت بشریت بعد از پیامبر (ص) و این‌که آنان باید از نظر اقتصادی منابعی در اختیار داشته باشند تا جهت نشر دین الهی از آن استفاده نمایند.

۳- به نظر می‌رسد با توجه به این‌که عمده مصرف زکات فقرا هستند و پرداخت آن به ایشان با نوعی ترحم همراه است، خداوند سبحان با جایگزینی خمس به جای زکات، اهل‌بیت را از موضع ذلّت و فقر و ترحم دیگران دور داشته است.

۴- بنی‌عباس با توسعه در مصادیق عنوان «اهل‌بیت» چنین وانمود کردند که مراد از «اهل‌البیت» تمام بنی‌هاشم هستند و سپس با جعل روایاتی ضمن چرک و آلوده نشان دادن زکات و حرمت آن برای بنی‌هاشم و جایگزینی خمس به عنوان کرامت ایشان، سعی در ممتاز نشان دادن خود به عنوان خاندان حاکم از بنی‌هاشم نسبت به سایر مردم داشته تا این امر سرپوش شرعی مناسبی باشد بر مظالم ایشان و فریب مردم و چپاول سهم خمس غنایم که با توجه به فتوحات آن عصر مبالغ قابل توجهی بوده است.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه: حسین انصاریان، قم، اسوه، ۱۳۸۳ ش.  
 ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، شرح نهج‌البلاغه لابن‌ابی‌الحدید، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی‌نجفی، ۱۴۰۴ق.  
 ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن‌العظیم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی، ۱۴۱۹ق.  
 ابن‌غضائری (واسطی بغدادی)، احمد بن حسین، الرجال (لابن‌الغضائری)، قم، دارالحدیث، ۱۳۶۴ ش.  
 ابن‌قاریاغدی، محمدحسین، البضاعة المزجاء (شرح روضه کافی)، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.  
 باصری، وحید. "تبیین تاریخی ممنوعیت صدقات بر بنی‌هاشم در عصر نزول". تاریخ و تمدن اسلامی ۳۱ (۱۳۹۹): ۲۶-۳. doi:10.30495/jhcin.2020.16288

\_\_\_\_\_، صادق آینه‌وند، و کبری روشن‌فکر. «الخطاب القبلی و دوره فی‌التغییر الدلالتی لمفهوم اهل‌البیت (ع) و ذوی‌القربی و تأثیره فی‌البحث عن‌الهویه الهاشمیه»، دراسات فی‌العلوم الانسانیة ۲۵ (۱۴۴۰ق): ۳۷-۵۵.

- برقی، احمد، رجال البرقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- ثعلبی، احمد، الكشف و البیان، لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- جوادی آملی، عبدالله، کرامت در قرآن، تهران، رجا، ۱۳۶۶ش.
- حرعاملی، محمد، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل بیت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- حسین بن علی (ع)، تفسیر الامام الحسین علیه السلام التفسیر الاثری التطبیقی، کربلا، العتبة الحسينية المقدسة، ۱۴۳۰ق.
- حلی، حسن، رجال العلامة الحلی، نجف، دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
- خانی مقدم، مهیار، و محمدتقی دیاری بیگدلی. "تحلیل سندی و محتوایی حدیث «قُولُوا فینا ما شئتم...» با رویکردی به نفی غلو از ساحت اهل بیت (ع)". مطالعات فقه حدیث ۵، ۱۰ (۱۳۹۸): ۱۹۳-۲۱۰.
- doi:10.30479/mfh.2019.1674**
- خیراللهی، محمدعلی، «بررسی فقهی و تاریخی حرمت صدقه». فقه و تاریخ تمدن، ۱۸ (۱۳۸۷ش): ۱۱۶-۱۲۶.
- سجستانی، ابوداود، سنن، تحقیق: محمد محی الدین، بیروت، المكتبة العصرية، بی تا.
- سیدرضی، محمد بن حسین، المجازات النبویه، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- سیستانی، علی، الرافد فی علم الاصول (محاضرات السید علی السیستانی)، تحقیق عدنان قطیفی، قم، کتابخانه آیت الله سیستانی، ۱۴۱۴ق.
- صدوق، محمد بن علی، المقنع، قم، موسسه الامام مهدی (عج)، ۱۴۱۵ق.
- \_\_\_\_\_، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، جهان، ۱۳۷۸ق.
- طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- طبرانی، سلیمان، تفسیر القرآن العظیم، اردن، دارالکتاب الثقافی، ۲۰۰۸م.
- طبرسی، فضل، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- طبری، محمد، جامع البیان فی تأویل القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- طوسی، محمد، فهرست کتب شیعه و اصولهم، قم، کتابخانه محقق طباطبایی، ۱۴۲۰ق.
- عابدینی، احمد، «امام خمینی، سادزیستی و مساله شأن». فقه، ۲۱ (۱۳۷۸): ۲۶۵-۳۵۴.
- علی بن موسی، امام هشتم (ع)، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، مشهد، کنگره جهانی امام رضا (ع)، ۱۴۰۶ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.
- کلینی، محمد، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مالک بن انس، الموطأ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
- مفید، محمد، اختصاص، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- نجاشی، احمد، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ق.
- نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران، فرزندان مولف، ۱۴۰۵ق.
- هلالی، سلیم، سلیم بن قیس الهلالی، قم، الهادی، ۱۴۰۵ق.